



**طرح پیشنهادی ظریف**  
جنگ را چگونه به پایان برسانیم؟



**چشم در برابر چشم**  
پرتاب ۵۷۲۵ فروند موشک و پهپاد به سمت اهداف دشمن



**شلیک به قلب صدساله سلامت**  
درباره هدف قرار گرفتن انستیتو پاستور

## نوبت سیاست

درباره تاب‌آوری در میدان و زمان فهمی در دیپلماسی برای یک پایان عزت‌مندانه



امیر اقناعی

عضو شورای مرکزی و معاون اجرایی و هماهنگی دبیرکل حزب کارگران سازندگی ایران

سی و پنجمین روز از تجاوزگری متوحش‌ترین موجودات عصر حاضر به میهن عزیزمان را در حالی پشت سر گذاشتیم که با توجه به تحولات جهانی در سال‌های اخیر و شیوه‌های اتخاذ شده برای مواجهه با آنها، احتمال وقوعش چندان دور از ذهن نبود.

چه بی‌شمار کسان، گفتند و نوشتند و کوشیدند تا کار ملک به اینجا نرسد و چه بسیار ناکسان، که با آویختن بسه چه‌ها به هر درسی‌های تن دادند که اگر این دیگ صرفاً برای خودشان و هم‌پالگی‌هاشان نجوشت، کله هر جانوری در آن بجوشت، خواه به قیمت ویرانی ایران.

بیچاره ایران و بی‌توا مردم ایران که در این میان، با وعده مرغ غروسی بودن، سر از سفره عزا درآوردند!

این مصیبت هم چونان همه مصائب تاریخ خواهد گذشت و وعده الهی "إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا" (در پس هر سختی، آسانی است) با صبوری و نجابت مثال‌زدنی و همیشگی ایرانیان پاک‌نهاد، محقق خواهد شد و نفرین ابدی نیز نصیب دربروزگان بی‌وطنی خواهد شد که لذت دنیاخواهی و نصرت قدرت‌طلبی را تا سرحد نابودی ملک و ملت پیش برده و می‌برند. چونان که روسیاهی - همواره - به زغال مانده و خواهد ماند.

هیچ‌یک از ما نباید از یاد ببریم که لازمه درک و لمس آینده روشن ایران، دوام آوردن است. پیش و بیش از هر چیز، باید دوام بیاوریم؛ بنامیم و باشسیم تا فردای آرام و زیبا و شکوهمند ایران‌مان را ببینیم و از آن حظ وافر ببریم. درونی شدن این مفهوم در یکایک ما و هم‌افزایی این روحیه در بین عموم افراد جامعه، سطح تاب‌آوری اجتماعی را به میزان قابل توجهی افزایش داده و امتداد خواهد بخشید.

واقعیت تلخی که این روزها روح و ذهن بسیاری از صاحب‌نظران و دلسوزان را می‌آزارد این است که برای پیشگیری، تعدیل و یا -لااقل- تاخیر در آوار شدن این بلای خانه‌مان‌سوز بر سر مردمان ایران‌زمین، حداقل در طی دو دهه گذشته، بسیاری از کارها نباید می‌شد، که شند و خیلی از کارها باید می‌شد، که نشد. گرچه بی‌تردید؛ کاستی‌های ما، دال بر برتری یا توجیه جنایات قصابانی نیست که بیش از یک ماه است که با شقاوتی تام، جنگی تمام‌عیار را بر ما تحمیل کرده‌اند، اما این نکته را -برای بار چندم- تنها به این خاطر در اینجا آوردیم که انشاء‌الله در فردای پایان آتش و برقراری آرامش، یادمان باشد که از چه نقطه‌ای باید تکاپوی زندگی را آغاز کنیم و به‌سان روزها و ماه‌های پس از جنگ ۱۲ روزه، آن‌چنان سرگرم رویاها و غرق در شعارها نشویم که ناگهان آن‌همه جان پاک در دی‌ماه پریر شود و این‌همه جان و مال و روان ارزشمند در رمضان و پس از آن، پیش چشمان داغدار ما و نگاه‌های بی‌تفاوت جهانیان از دست رود.

به‌هرروی؛ از حق نباید گذشت که سوازی از همراهی و ایستادگی عموم مردم، گروه‌های اجتماعی و نهادهای مدنی "با ایران" و "در پای ایران"، جمیع سربازان وطن که در قالب نیروهای نظامی، انتظامی و امنیتی تجلی می‌یابند -علیرغم اختلاف در سطح تکنولوژیک ادوات ما با سلاح‌های متجاوزان- جانانه، دلیرانه، فداکارانه و متهورانه، کاری کردند، کارستان که -بنا به گواه بسیاری از تحلیل‌گران و رسانه‌های دوست و دشمن- نه تنها محاسبات زمانی دشمنان و سودای‌شان در دستیابی به تسلیم سریع ایران را به باد دادند، بلکه باعث پریشانی و بی‌سامانی‌شان در یافتن راه برون‌رفت از این کارزار نیز شده‌اند.

حال که هم مردم میهن و هم سربازان وطن، رسالت‌شان را در تمامی میدان‌ها -به بهترین وجه انجام داده‌اند و کماکان نیز -تمام‌قد- پای کار ایران ایستاده‌اند، نوبت سیاستمداران و صاحب‌منصبان کشور است که -به‌عنوان متولیان حوزه دیپلماسی- فارغ از هیاهوهای رسانه‌ای و هیجان‌ات عمومی و البته با لحاظ دغدغه‌های این گروه‌ها و سایر ذی‌نفعان جامعه ایران، بنابر قاعده زمان‌فهمی و در راستای تمهید تدابیر لازم به منظور هدایت ایران عزیزمان به ساحل آرامش و بازگشت کشور به شرایط عادی از هیچ کوششی فروگذار نکرده و پیوسته به مولفه میزان تاب‌آوری آحاد اعضای جامعه برای جاری بودن زندگی معمول، اهتمام ویژه داشته باشند.

بدیهی است که هر شخص یا مجموعه‌ای که بتواند ضمن تشخیص بهترین فرصت برای خروج پیروزمندانه از این پیکار و در سریع‌ترین زمان ممکن، پایسان عزت‌مندانه این جنگ را رگم بزند، قهرمان ملت و روسپید تاریخ خواهد شد.

انشاء‌الله ...

# شکار عقاب

ایران یک جنگنده آمریکایی اف ۱۵ را سرنگون کرد  
به همین بهانه سازندگی به بررسی اتفاقات جنگ پرداخته است

کشور تلقی خواهد شد، بلکه پیامی صریح را به قدرت‌های فرمانطقه‌ای مخابره می‌کند. استانداری چهارمحال و بختیاری درباره پیدا کردن خلبان آمریکایی اطلاعیه‌ای صادر کرد که نشان می‌دهد او هنوز بازداشت نشده است. بر اساس دستور استاندار، او از دهباران و تمامی اقشار شهرستان‌های لردگان، فلارد، خاتمیرزا، اردل، بروجن و فرخ‌شهر درخواست کرده است که با تمام توان خود به جست‌وجوی خلبانان در سطح بخش‌های خود اقدام کنند و «هرگونه اطلاعاتی درباره عوامل رژیم‌های متخاصم آمریکا و اسرائیل را شناسایی و گزارش دهند.» استاندار چهارمحال و بختیاری همچنین وعده داده که به هر تیمی که موفق به شناسایی و دستگیری این افراد شود، پاداش ارزنده‌ای داده است.

موضوعی که باید منتظر ماند تا منابع رسمی آن را تایید یا تکذیب کنند. در صورت تأیید رسمی، این موضوع می‌تواند ابعاد سیاسی این حادثه را به‌طور چشمگیری افزایش دهد. شکار این عقاب آمریکایی در آسمان ایران، نه‌تنها یک موفقیت نظامی برای

**سازندگی:** در یک رویداد مهم نظامی، منابع رسمی ایرانی از انهدام یک فروند جنگنده پیشرفته F-۱۵ متعلق به ایالات متحده است خبر دادند. جنگنده‌ای متجاوز که حضورش در آسمان ایران، ادامه حملاتی است که آمریکا و اسرائیل از نهم اسفند ماه علیه ایران آغاز کردند. بنا بر گزارش‌ها، این جنگنده آمریکایی نیز وارد حریم هوایی ایران شده و در حال انجام عملیات تهاجمی بود. بر اساس این گزارش‌ها، سامانه‌های پدافندی ایران با واکنشی سریع و دقیق، این جنگنده را درگیر کرد و هدف قرار داده و منهدم کرده‌اند؛ رخدادی که نشان‌دهنده ارتقاء قابل توجه توان دفاعی و شناسایی ایران در برابر پیشرفته‌ترین تجهیزات نظامی جهان است. همچنین برخی منابع از زخمی شدن خلبان این جنگنده و بازداشت او توسط نیروهای ایرانی خبر می‌دهند؛





## خبر

در فارن افروز منتشر شد

### طرح پیشنهادی ظریف به ایران و آمریکا برای پایان جنگ

**گروه سیاسی:** محمدجواد ظریف، وزیر خارجه پیشین ایران، در مقاله‌ای منتشر شده در مجله «فارن افروز»، راهکاری جامع برای پایان دادن به جنگ جاری ایران با آمریکا و اسرائیل ارائه کرده است. او تأکید می‌کند که تهران می‌تواند با استفاده از برتری خود، نه برای ادامه درگیری، بلکه برای دستیابی به صلح پایدار، تحریم‌ها را لغو و تعامل اقتصادی و امنیتی منطقه‌ای را گسترش دهد. ظریف پیشنهادها را مشخصی برای تضمین امنیت، احیای روابط اقتصادی و کنترل برنامه هسته‌ای ایران ارائه کرده است که می‌تواند فصل تازه‌ای در دیپلماسی منطقه‌ای رقم بزند.

ظریف مقاله خود را با بیان اینکه ایران آغازگر جنگ نبوده و با وجود تلفات و حملات گسترده همچنان مقاومت کرده، آغاز می‌کند. او معتقد است، ایران باید از پیروزی‌های تاکتیکی خود برای تثبیت جایگاه استراتژیک و حرکت به سوی صلح بهره‌بردار، نه برای ادامه خصومت. ادامه جنگ تنها به نابودی زیرساخت‌ها و قربانی شدن غیرنظامیان منجر می‌شود و خطر تبدیل بحران منطقه‌ای به یک بحران جهانی را افزایش می‌دهد.

بر اساس پیشنهاد ظریف، اولین گام برای صلح، تضمین امنیت و عبور امن کشتی‌ها از تنگه هرمز است. ایران می‌تواند با همکاری عمان این مسیر حیاتی را باز نگه دارد و همزمان واشنگتن نیز باید اجازه دهد ایران بدون ممانع به تجارت جهانی بازگردد. این اقدام فوری زمینه‌ساز شروع مذاکرات برای توافق صلح دائمی خواهد بود.

در حوزه هسته‌ای، ظریف پیشنهاد می‌دهد که ایران تمامی تأسیسات هسته‌ای خود را تحت نظارت دائم بین‌المللی قرار دهد و پروتکل الحاقی آژانس انرژی اتمی را تصویب کند. در مقابل، ایالات متحده باید تحریم‌ها و محدودیت‌ها را لغو و دیگر کشورها را نیز به اقدام مشابه تشویق کند. این اقدامات می‌تواند به ایجاد کنسرسیومی بین‌المللی برای مدیریت اورانیوم ایران و جلوگیری از توسعه تسلیحات هسته‌ای منجر شود و اختلافات هسته‌ای میان تهران و واشنگتن را به حداقل برساند.

ظریف همچنین بر اهمیت توافقات منطقه‌ای تأکید دارد. او پیشنهاد می‌کند که ایران و کشورهای همسایه شامل امارات، بحرین، عربستان، عراق، قطر، کویت، یمن و عمان، با همراهی اعضای دائم شورای امنیت و دیگر کشورها، یک شبکه امنیتی منطقه‌ای برای تضمین عدم تجاوز و آزادی ناوبری ایجاد کنند. این شبکه می‌تواند شامل ترتیبات مشخص برای عبور امن کشتی‌ها از تنگه هرمز باشد و امنیت منطقه‌ای را بدون وابستگی کامل به قدرت‌های خارجی تضمین کند.

از منظر اقتصادی و تجاری، ظریف تأکید می‌کند که ایران باید در زنجیره‌های تأمین جهانی مشارکت فعال داشته باشد و تعامل اقتصادی با آمریکا و کشورهای منطقه را گسترش دهد. همکاری در پروژه‌های انرژی و فناوری‌های پیشرفته و تسهیل صادرات نفت و محصولات مرتبط می‌تواند بازسازی خسارات جنگ و جریان آسیب‌های غیرنظامیان را تسریع کند.

نهایتاً، ظریف پیشنهاد می‌کند که ایران و ایالات متحده یک پیمان دائمی عدم تجاوز امضا کنند و ضمن رفع محدودیت‌های سفر و خدمات کنسولی، فهرست‌های تروریستی متقابل را لغو کنند. چنین پیمانی، پایه‌ای برای صلح پایدار و اعتمادسازی خواهد بود، حتی اگر هر دو طرف نسبت به نیت‌های یکدیگر بدگمان باقی بمانند.

این طرح، اگرچه چالش‌های سیاسی و روانی بسیاری دارد، اما راهی عملی برای پایان دادن به ۴۷ سال خصومت ایران و آمریکا ارائه می‌دهد. ظریف در پایان مقاله خود تأکید می‌کند که تاریخ کسانی را بهتر به یاد می‌آورد که صلح می‌سازند، نه کسانی که جنگ را ادامه می‌دهند.

وزیر امور خارجه پیشین ایران سپس می‌گوید: به‌عنوان یک ایرانی، که از تجاوز جنایتکارانه و ادبیات اهانت‌آمیز ترامپ برآشفته و همزمان به نیروهای سلحشور و مردم دل‌آور ایران مفتخر است، نسبت به انتشار این طرح صلح در مجله «فارن افروز» دچار دوگانگی شدید هستم. با این حال، عمیقاً بر این باورم که جنگ باید بر پایه طرحی منطبق با منافع ملی ایران پایان یابد. او همچنین تأکید می‌کند که این توافق «تسلیم شدن» نیست، بلکه یک «دیپلماسی واقع‌گرایانه» است تا منابع کشور به‌جای جنگ، صرف بازسازی اقتصاد و بهبود زندگی مردم ایران شود. او معتقد است که اگر ایران اکنون که در موضع قدرت است صلح نکند، ممکن است در آینده فرصت‌های بهتری نداشته باشد.

# سروهای ایستاده ایران

روایتی از آنچه در جنگ تحمیلی آمریکایی-صهیونی گذشت؛

از شهادت ستون‌های امنیت ملی کشور تا انهدام جنگنده‌ها بر فراز ایران

در ایران بوده است.

کمی بعد در میان چهره‌های برجسته‌ای که در این جنگ تحمیلی به شهادت رسیدند، نام علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی، بیش از دیگران توجه‌ها را جلب کرد؛ شخصیتی راهبردی که در قلب تصمیم‌سازی‌های کلان کشور قرار داشت و در حمله مستقیم دشمن، به همراه فرزند و همراهانش به شهادت رسید. پس از او نیز حجت الاسلام سید اسماعیل خطیب وزیر اطلاعات در حمله دشمن آمریکایی-صهیونی ترور شد و به شهادت رسید.

## از خلیج فارس تا مرزهای دانش

دامنه این حملات تنها به فرماندهان محدود نماند. علیرضا تنگسیری، فرمانده نیروی دریایی سپاه که نقشی کلیدی در حفظ امنیت خلیج فارس و تنگه هرمز داشت نیز از جمله چهره‌هایی بود که در گزارش‌ها از شهادتش سخن گفته شد. در کنار او، چهره‌های علمی همچون حسین جبل‌عاملیان، رئیس سازمان پژوهش و نوآوری دفاعی و رضا مظفری‌نیا، رئیس سابق سازمان پژوهش و نوآوری دفاعی نیز هدف قرار گرفتند؛ افرادی که در خط مقدم پیشرفت‌های راهبردی کشور فعالیت می‌کردند. این بخش از حملات، نشان داد که هدف صرفاً تضعیف توان نظامی نیست، بلکه ضربه زدن به آینده علمی و استقلال فناوری ایران نیز در دستور کار قرار داشته است.

در ادامه این اقدامات تروریستی، در حملات روز پنج‌شنبه دوازدهم فروردین ماه به تهران، منزل مسکونی کمال خرازی، وزیر پیشین امور خارجه و رییس شورای راهبردی روابط خارجی نیز مورد تهاجم هوایماهای آمریکا-اسرائیل قرار گرفت. در این بمباران همسر ایشان به شهادت رسید و به گفته منابع رسمی، خرازی به شدت مجروح شده و در حال حاضر در بیمارستان بستری است.

ابوالقاسم بابائیان، رئیس دفتر نظامی بیت رهبری، علی محمد نائینی، سخنگوی سپاه پاسداران، صالح اسدی، رئیس اداره اطلاعات قراقرگ مرکزی خاتم‌الانبیاء، غلامرضا سلیمانی، رئیس سازمان بسیج، بهنام رضایی، رئیس اطلاعات نیروی دریایی سپاه، داوود علیزاده، فرمانده موقت شاخه لبنان نیروی قدس، داوود عسگری از فرماندهان نیروهای مسلح، بهرام حسینی مطلق، رئیس اداره طرح و عملیات معاونت ستاد کل نیروهای مسلح، محسن مهدوی کلاته معاون وزیر اطلاعات، یحیی حمیدی، معاون امنیت داخلی وزارت اطلاعات، اسدالله بادفر، رئیس بسیج ستاد کل نیروهای مسلح و حسن حسن‌زاده، فرمانده سپاه محمد رسول‌الله تهران بزرگ نیز چهره‌های دیگری هستند که در حملات

دوچندان می‌کند.

در همین چارچوب، مهم‌ترین بخش پیام روحانی به حوزه سیاست‌گذاری داخلی بازمی‌گردد؛ جایی که او صراحتاً اعلام می‌کند «حفظ کشور و نظام» بدون انجام «اصلاحات فوری و اساسی» ممکن نیست. از نگاه او، این اصلاحات باید نه تنها در سطح ساختارها، بلکه در فرآیندها، شیوه‌های تصمیم‌گیری و نحوه اداره کشور نمود پیدا کند و با سرعت و شفافیت بیشتری دنبال شود. روحانی یکی از مهم‌ترین ابعاد این اصلاحات را بازسازی اعتماد در حوزه اقتصادی می‌داند. او پیشنهاد می‌کند تحولاتی در سیاست‌گذاری‌ها صورت گیرد که «علامت‌های اطمینان‌بخش»



تروریستی آمریکا و رژیم صهیونیستی به شهادت رسیدند.

## سروهایی که در آتش ایستادند

اما آنچه بیش از همه در این میان دل‌ها را به درد آورد، نام فرماندهانی بود که سال‌ها در سکوت و بی‌ادعا، بار امنیت این سرزمین را بر دوش کشیده بودند: سردار سرلشکر پاسدار شهید صالح اسدی، معاون اطلاعات ستاد کل نیروهای مسلح، امیر سرلشکر شهید خلبان محسن درباغی، معاون آماد و پشتیبانی نیروهای مسلح، سردار سرلشکر پاسدار شهید اکبر ابراهیم‌زاده، جانشین رئیس دفتر فرمانده معظم کل قوا، سردار سرلشکر پاسدار شهید غلامرضا رضائیان، رئیس سازمان اطلاعات فراجا، سردار سرلشکر پاسدار شهید بهرام حسینی مطلق، رئیس اداره طرح و عملیات معاونت عملیات ستاد کل نیروهای مسلح و سردار سرلشکر پاسدار حسنعلی تاجیک، رئیس اداره آماد ستاد کل نیروهای مسلح. این‌ها فقط نام نیستند؛ هر کدام روایتی از سال‌ها مجاهدت خاموش‌اند که در لحظه‌های سرنوشت‌ساز، ستون‌های ایستادگی یک ملت شدند.

## روایت ماندگار ایستادگی

در میان همه این تلخی‌ها، آنچه در روایت ایرانی برجسته می‌شود، مفهومی فراتر از فقدان است: تداوم. «سروهایی ایستاده ایران» تنها یک تعبیر ادبی نیست؛ تصویری است از مردانی که رفتند، اما راه را باقی گذاشتند. در فرهنگی که شهادت پایان نیست، بلکه آغاز یک مسیر است، این نام‌ها نه به‌عنوان فقدان، بلکه به‌عنوان میراثی زنده در حافظه ملت ثبت می‌شوند.

ایستادگی ملت ایران در کنار ایستادگی نیروهای دفاعی، به دنیا این پیام روشن را مخابره کرد که ایران، حتی در سخت‌ترین شرایط، توان دفاع از خود را دارد و اگرچه دشمن تلاش می‌کند با حذف چهره‌ها، ستون‌ها را فرو بریزد، اما واقعیت این است که این سرزمین بر شانه‌های یک ملت استوار است؛ ملتی که هر بار از دل آتش، استوارتر برمی‌خیزد. آنچه امروز در حال وقوع است، فقط یک درگیری نظامی نیست؛ دشمن با تمام توان، از آسمان تا زمین، از جنگ سخت تا جنگ روایت‌ها، وارد میدان شده است. اما در سوی دیگر، ایران ایستاده است؛ با آسمانی که دیگر برای متجاوز امن نیست و با مردانی که حتی در غیابشان، الهام‌بخش ایستادگی‌اند. این نبرد، شاید پرهزینه باشد، شاید تلخ و سنگین؛ اما در دل خود این حقیقت روشن را دارد که ایران، در دل بحران‌ها همچنان پابرجاست و استوار خواهد ماند.

# نسخه روحانی برای عبور از بحران

تأکید رئیس‌جمهور پیشین بر ضرورت اصلاحات ساختاری در نظام تصمیم‌گیری کشور

دوچندان می‌کند. در همین چارچوب، مهم‌ترین بخش پیام روحانی به حوزه سیاست‌گذاری داخلی بازمی‌گردد؛ جایی که او صراحتاً اعلام می‌کند «حفظ کشور و نظام» بدون انجام «اصلاحات فوری و اساسی» ممکن نیست. از نگاه او، این اصلاحات باید نه تنها در سطح ساختارها، بلکه در فرآیندها، شیوه‌های تصمیم‌گیری و نحوه اداره کشور نمود پیدا کند و با سرعت و شفافیت بیشتری دنبال شود.

روحانی یکی از مهم‌ترین ابعاد این اصلاحات را بازسازی اعتماد در حوزه اقتصادی می‌داند. او پیشنهاد می‌کند تحولاتی در سیاست‌گذاری‌ها صورت گیرد که «علامت‌های اطمینان‌بخش»

دوچندان می‌کند. در همین چارچوب، مهم‌ترین بخش پیام روحانی به حوزه سیاست‌گذاری داخلی بازمی‌گردد؛ جایی که او صراحتاً اعلام می‌کند «حفظ کشور و نظام» بدون انجام «اصلاحات فوری و اساسی» ممکن نیست. از نگاه او، این اصلاحات باید نه تنها در سطح ساختارها، بلکه در فرآیندها، شیوه‌های تصمیم‌گیری و نحوه اداره کشور نمود پیدا کند و با سرعت و شفافیت بیشتری دنبال شود. روحانی یکی از مهم‌ترین ابعاد این اصلاحات را بازسازی اعتماد در حوزه اقتصادی می‌داند. او پیشنهاد می‌کند تحولاتی در سیاست‌گذاری‌ها صورت گیرد که «علامت‌های اطمینان‌بخش»

**گروه سیاسی:** حسن روحانی، رئیس‌جمهوری ایران در دولت‌های یازدهم و دوازدهم، اخیراً در پیامی تحلیلی-سیاسی بر ضرورت «اصلاح فوری و اساسی در سیاست‌گذاری‌ها» به‌عنوان شرط حفظ کشور و نظام تأکید کرد؛ تأکیدی که به‌نظر می‌رسد مهم‌ترین محور و پیام اصلی این بیانیه در شرایط جنگی کنونی باشد.

روحانی در این پیام که به مناسبت دوازدهم فروردین ۱۴۰۵ منتشر شد، با توصیف جنگ تحمیلی اخیر به‌عنوان اقدامی «شورروانه، جنایتکارانه و غیرقانونی»، آن را مصداقی روشن از «جنایت علیه بشریت» دانست و نقش آمریکا و اسرائیل را در شکل‌گیری این تقابل مستقیم، مورد انتقاد قرار داد. او معتقد است این جنگ، تحقق یک طراحی قدیمی از سوی صهیونیست‌ها برای کشتاندن آمریکا به‌مواجه نظامی با ایران بوده است؛ مسیری که به گفته وی، در نهایت به زیان منافع راهبردی آنان در منطقه تمام خواهد شد.

با این حال، روحانی در کنار تأکید بر مقاومت و ایستادگی نظامی، بر لزوم نگاه هم‌زمان به آینده و مدیریت پیامدهای داخلی جنگ نیز تمرکز کرده است. او ضمن تمجید از «حماسه صبر و وفاداری مردم» در طول بیش از یک ماه گذشته، این همراهی را سرمایه‌ای تعیین‌کننده دانست که اکنون «حجت را بر مسئولان تمام کرده» و ضرورت پاسخگویی به مطالبات جامعه را



# چشم در برابر چشم

## ایران نیروگاه‌های آمریکایی را در منطقه هدف قرارداد تا از خاک خود محافظت کند

**گروه بین‌الملل:** در پی حمله مشترک ایالات متحده و اسرائیل به خاک ایران و ترور رهبر انقلاب و جمعی از فرماندهان ارشد نظامی، منطقه غرب آسیا به‌سرعت وارد مرحله‌ای بی‌سابقه از تنش و تقابل نظامی شد؛ مرحله‌ای که نته‌ها معادلات پیشین امنیتی را بر هم زد، بلکه دامنه درگیری را از یک رویارویی محدود به جنگی چندوجهی و فراگیر میان ایران، اسرائیل و آمریکا گسترش داد. آن‌گونه که مقامات تهران پیش‌تر هشدار داده بودند، پاسخ ایران صرفاً به جغرافیای مشخصی محدود نماند و به‌تدریج پای کشورهای عربی میزبان پایگاه‌های نظامی آمریکا نیز به این تقابل کشیده شد؛ کشورهایی که به گفته منابع ایرانی، بخشی از عملیات‌های تهاجمی علیه ایران از خاک آن‌ها صورت گرفته بود و به همین دلیل، در فهرست اهداف پاسخ متقابل قرار گرفتند.

در طول این درگیری، ایران مجموعه‌ای از حملات موشکی و پهپادی را علیه اهدافی در اسرارات متحده عربی، بحرین، قطر، عربستان سعودی، کویت و اردن انجام داد و هم‌زمان ضرباتی سنگین به زیرساخت‌های نظامی و راهبردی اسرائیل وارد کرد. این حملات که در قالب «موج‌های» متوالی و با اعلام رسمی انجام می‌شد، به‌ویژه در چارچوب «عملیات وعده صادق ۴» به اوج خود رسید. در میان این موج‌ها، «موج ۹۱» به‌عنوان یکی از شدیدترین و گسترده‌ترین حملات ثبت شد؛ حمله‌ای که در آن از مجموعه‌ای از موشک‌های پیشرفته از جمله خرسهر-۴، قدر، عماد و خیبرشکن استفاده شد و هم‌زمان با آن، گروه‌های هم‌پیمان ایران در منطقه نیز وارد عمل شدند. حزب‌الله لبنان مواضعی در شمال اسرائیل را هدف قرار داد و نیروهای انصارالله یمن نیز با حملات خود، جنوب اسرائیل و تأسیسات حساس دیمونا را زیر ضرب بردند؛ نشانه‌ای آشکار از سطحی جدید از هماهنگی نظامی در جبهه مقاومت.

بر اساس آمار منتشرشده، ایران تا تاریخ ۱۳ فروردین ۱۴۰۴ در مجموع بیش از ۵۷۳۵ فروند موشک و پهپاد به سمت اهداف مختلف در هفت کشور عربی شلیک کرده است؛ آماري که نشان‌دهنده شدت و گستردگی بی‌سابقه این عملیات‌هاست. در این میان، امارات متحده عربی با بیش از ۲۴۰۰ فروند و کویت با حدود ۱۰۰۰ فروند، بیشترین سهم را از این حملات به خود اختصاص داده‌اند. به گفته مقامات کشور، هدف این حملات تنها وارد کردن خسارت نظامی نبوده، بلکه ایجاد اختلال در شبکه‌های رصد و پایش منطقه‌ای و کاهش توان عملیاتی آمریکا و متحدانش نیز از جمله اهداف کلیدی این عملیات‌ها به شمار می‌رفته است. در همین راستا، انهدام سامانه‌های

### گزارش اجتماعی



اما تعدادی نیز به هدف اصابت کرد و موجب زخمی شدن شماری از افراد و آسیب به زیرساخت‌های نظامی شد. این حملات در روزهای بعد نیز ادامه یافت و حتی صدای انفجار در مرکز دوحه شنیده شد. در ادامه، ایران دامنه حملات خود را به اهداف اقتصادی گسترش داد و شهرک صنعتی راس لفان، یکی از مهم‌ترین مراکز تولید گاز طبیعی مایع در جهان، را هدف قرار داد؛ حمله‌ای که به گفته مقامات قطری، خسارات قابل توجهی به این تأسیسات وارد کرده و بخشی از ظرفیت صادراتی این کشور را برای سال‌ها مختل کرده است. همچنین حمله به نفتکش «اکوا ۱» در آب‌های اقتصادی قطر، نشان‌دهنده گسترش درگیری به حوزه حمل‌ونقل انرژی بود.

اردن نیز از این موج درگیری‌ها در امان نماند و پایگاه‌های نظامی آن، از جمله پایگاه موافق سالتی و اللازق، هدف حملات قرار گرفتند. این حملات اگرچه تلفات انسانی محدودی داشت، اما پیام روشنی در خصوص عزم ایران برای هدف قرار دادن هر کشوری که در رهگیری یا مقابله با حملاتش نقش داشته باشد، ارسال کرد.

در حالی که این چرخه از حملات و ضدحملات ادامه دارد، تنش‌ها میان تهران و واشنگتن به سطحی بی‌سابقه رسیده است. رئیس‌جمهور آمریکا، دونالد ترامپ، با تهدید به حمله به زیرساخت‌های انرژی ایران و استفاده از ادبیاتی تند، از احتمال ورود به مرحله‌ای جدید از درگیری سخن گفته است. هم‌زمان، اظهارات چهره‌هایی چون لیدسی گراهام نیز بر احتمال استفاده از گزینه نظامی در صورت شکست مسیرهای دیپلماتیک تأکید دارد. در مقابل، ایران هشدار داده است که هرگونه اقدام جدید با پاسخی گسترده‌تر و شدیدتر مواجه خواهد شد و نته‌ها دارایی‌های آمریکا و اسرائیل، بلکه منافع کشورهای هم‌پیمان آن‌ها نیز در معرض خطر قرار خواهد گرفت. اکنون منطقه در شرایطی قرار گرفته که هر لحظه امکان ورود به فازی تازه و حتی گسترده‌تر از درگیری وجود دارد و این پرسش اساسی مطرح است که آیا راهی برای مهار این بحران و بازگشت به مسیر دیپلماسی باقی مانده است یا خیر.

نشان‌دهنده گسترش دامنه اهداف از حوزه نظامی به زیرساخت‌های فناوری و اقتصادی بود.

در جبهه اسرائیل، ایران مجموعه‌ای از اهداف راهبردی و حیاتی را مورد حمله قرار داد؛ از جمله فروگاه بین‌المللی بن‌گوریون که برای ۷۲ ساعت تعطیل شد، پایگاه‌های هوایی تل‌نوف و پالمخیم، مراکز فرماندهی نظامی در صدد و سایر نقاط، و همچنین تأسیسات هسته‌ای دیمونا که با همکاری نیروهای یمنی هدف قرار گرفت. علاوه بر این، مناطق شهری و مراکز مهم در تل‌آویو، حیفا، بن‌رشیع، ایلات و دیگر شهرها نیز هدف حملات قرار گرفتند؛ حملاتی که به گفته تحلیلگران، نشان‌دهنده تغییر بنیادین در قواعد درگیری و عبور از خطوط قرمز پیشین بود. عراد نیز یکی دیگر از این مناطق بود که آسیب سنگینی دید و مقامات اسرائیل از جمله بنیامین نتانیاهو از آن بازدید کردند.

در بحرین، پایگاه‌های نظامی آمریکا در الصخیر و اطراف منامه که میزبان ناوگان پنجم آمریکا هستند، هدف حملات قرار گرفتند. در کویت نیز پایگاه‌های احمد الجابر و علی السالم که مراکز کلیدی استقرار نیروهای آمریکایی در شمال خلیج فارس محسوب می‌شوند، زیر آتش موشکی قرار گرفتند. در عربستان سعودی، دامنه حملات فراتر از اهداف نظامی رفت و زیرساخت‌های حیاتی انرژی از جمله پالایشگاه رأس تنوره، میدان نفتی الشیبیه و تأسیسات سارمف در بیع را نیز دربر گرفت. همچنین پایگاه هوایی الخرج به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف نظامی مورد حمله قرار گرفت. شدت این حملات به حدی بود که مقامات سعودی به‌صراحت از احتمال اقدام نظامی علیه ایران سخن گفتند و نسبت به از بین رفتن اعتماد شکل گرفته در چارچوب توافقات پیشین هشدار دادند.

قطر نیز به دلیل میزبانی از پایگاه هوایی العیدیه، به یکی از اهداف اصلی ایران تبدیل شد. در نخستین موج حملات، ده‌ها موشک و پهپاد به سمت این پایگاه شلیک شد که بخشی از آن‌ها رهگیری شد،

راداری حیاتی از جمله رادار پایگاه الظفره در امارات، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این حملات مطرح شده است. هم‌زمان، اقدام ایران در انسداد تنگه هرمز نیز به‌عنوان یک اهرم راهبردی، تأثیر مستقیمی بر بازار جهانی انرژی گذاشت و موجب افزایش چشمگیر قیمت‌ها و تشدید بحران انرژی در سطح بین‌المللی شد. در امارات متحده عربی، پایگاه هوایی الظفره به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز استقرار نیروهای آمریکایی هدف اصلی حملات قرار گرفت. این پایگاه که میزبان سامانه‌های هشدار زود هنگام و هواپیماهای آواکس بود، در پی اصابت ۱۴ فروند موشک خرسهر-۴ دچار خسارات گسترده شد؛ به‌گونه‌ای که سه فروند هواپیمای آواکس و دو سامانه رادار دوربرد آن به‌طور کامل منهدم شدند. علاوه بر این، حملات پهپادی و موشکی به پناهگاه‌های نیروهای آمریکایی و مراکز کنترل پهپاد در این پایگاه نیز خسارات قابل توجهی به همراه داشت. در ادامه این حملات، تأسیسات صنایع فولاد آمریکا در ابوظبی که نقش مهمی در تأمین زره نظامی ایالات متحده در منطقه داشت، طی دو روز به‌طور کامل از کار افتاد؛ اقدامی که ایران آن را در چارچوب راهبرد «چشم در برابر چشم» و در پاسخ به حملات مشابه علیه صنایع فولاد خود توصیف کرد.

گزارش‌های رسمی امارات نیز بخشی از این حملات را تأیید کرده‌اند. به گفته مقامات این کشور، قطعاتی از موشک‌های رهگیری‌شده در نزدیکی بندر خلیفه و منطقه اقتصادی اطراف آن سقوط کرده که منجر به زخمی شدن شش نفر شده است. سامانه‌های پدافندی امارات در همان روز موفق به رهگیری ۲۰ موشک بالستیک و ۲۷ پهپاد شدند و در مجموع از آغاز درگیری، صدها موشک و هزاران پهپاد را رهگیری کرده‌اند. با این حال، برخی اهداف حیاتی از جمله تأسیسات آلومینیوم الطویله که بخشی از زنجیره صنایع استراتژیک این کشور محسوب می‌شود، دچار آسیب شدند. هم‌زمان، حملات مشابهی به صنایع آلومینیوم بحرین نیز انجام شد که نشان‌دهنده تمرکز ایران بر زیرساخت‌های صنعتی مرتبط با منافع آمریکا در منطقه بود. در کنار این اهداف، انبارهایی در دبی که گفته می‌شد محل نگهداری سامانه‌های ضدپهپاد اوکراینی بوده‌اند نیز هدف قرار گرفتند؛ حمله‌ای که در پی دیدار اخیر رئیس‌جمهور اوکراین با مقامات اماراتی و توافق بر سر همکاری‌های دفاعی انجام شد. همچنین گزارش‌هایی از حمله به پناهگاه‌های نیروهای آمریکایی در دبی و وارد آمدن تلفات سنگین منتشر شد. در ادامه، دبستان شرکت آمریکایی اوراکل نیز به‌عنوان یکی دیگر از اهداف حملات معرفی شد؛ اقدامی که

# شلیک به قلب صدساله سلامت

## وقتی «علم» زیر آوار کینه مدفون می‌شود



فائزة مومنی

گروه اجتماعی

ساختمان شماره ۶۹ خیابان پاستور، برای تهران و ایران، هرگز صرفاً مجموعه‌ای از دیوارها، انکوباتورها و لوله‌های آزمایش نبوده است؛ اینجا «قرارگاه زیستی» ملتی بود که مشق مدرنیته و گذار از عصر طاعون و وبا را با واکنس‌های همین عمارت آغاز کرد. امروز که در نیمه فروردین ایستاده‌ایم، تنها دو روز از آن سحرگاه دهشتناک ۱۳ فروردین می‌گذرد؛ روزی که غبار انفجار بر چهره نهادی نشست که خود متولی زودون غبار بیماری از سیمای سرزمین بود. حمله اخیر به انستیتو پاستور ایران، یک واقعه نظامی ساده در دفترچه محاسبات جنگی نیست؛ این یک «ترور سیستماتیک حافظه علمی» و ضربه‌ای کاری به زیرساخت‌های بهداشت عمومی خاورمیانه است که پیامدهای آن نه در متراتز تخریب، بلکه در گسست زنجیره‌های حیاتی پایش بیماری‌های نوپدید تجلی پیدا می‌کند.

### از «خانه زندگی» فرمانفرما تا ویرانه‌های جنگ

برای درک عمق این فاجعه، باید عقربه‌های زمان را به عقب کشید؛ به روزگاری که ایران پساجنگ جهانی اول، در محاصره فقر و اپیدمی‌های مرگبار، نفس‌های آخر را می‌کشید. در آن دوران که مرگ بخشی عادی از زیست روزمره بود، «عبدالحسین میرزا فرمانفرما» با تصمیمی تاریخی، به‌جای بنای کاخی برای قدرت، خانه‌ای برای زندگی ساخت. او ایستاد تا نهادی متولد شود که «مایه آبله» بسازد و با امراض انسانی و حیوانی بجنگد. این پیوند استراتژیک میان تهران و پاریس در سال ۱۹۲۰، نخستین گام ایران

برای خروج از قرون‌وسطای پزشکی بود. حالا، هدف قرار دادن این میراث صدساله، در حقیقت شلیک به ریشه‌های مدرنیته ایرانی و تلاش برای بازگرداندن یک ملت به عصر بی‌دفاعی در برابر «مرگ‌های خاموش» است.

### تخریب «ساعت صفر» پایش‌های زیستی

آنچه در سیزدهم فروردین زیر آوار ماند، فراتر از تجهیزات گران‌قیمت آزمایشگاهی است. سه گفته حسین کرمانپور، سخنگوی وزارت بهداشت، این حمله «تجاوز به ستون صدساله بهداشت جهانی» است. در دل این ویرانه‌ها، آزمایشگاه‌های مرجع و بانک‌های سلولی مدفون شده‌اند که هر کدام بخشی از شناسنامه سلامت منطقه بودند. اسکندری، پژوهشگر محیط زیست، با تعبیری تکان‌دهنده از این حادثه با عنوان «ریسک سیستماتیک» یاد می‌کند؛ خطری که حلقه‌های پایش بیماری‌های زئونوتیک (مشترک میان انسان و دام) را می‌گسلد. تخریب چنین زیرساختی، یعنی کور کردن چشم بنیادی سیستم سلامت در برابر جهش‌های ویروسی که می‌تواند پتانسیل فاجعه‌ای در ابعاد کووید-۱۹ را در بطن خود داشته باشد. این حمله، میدان جنگ را از مرزهای جغرافیایی به قلب لوله‌های آزمایشگاهی کشانده است که وظیفه‌شان صیانت از حیات غیرنظامی بود.

### فرضیه جنایت جنگی

از منظر حقوق بشردوستانه، پرونده حمله به پاستور لایه‌های پیچیده‌ای را پیش می‌کشد. طبق کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷، مراکز علمی و درمانی که کارکرد نظامی ندارند، از مصونیت مطلق برخوردارند. انستیتو پاستور به‌عنوان یک شیء غیرنظامی و ساختمان اختصاص‌یافته به علم، تحت

برای ریشه‌کشی ایران و ایرانیان» توصیف کرد، بازتاب‌دهنده خشمی است که از تعرض به «غرور و هویت علمی» یک ملت ناشی می‌شود. همچنین صنم نراقی اندرلینی، از نوادگان ن بنیان‌گذار این نهاد، به‌درستی اشاره کرده است که این موضوع فراتر از منازعات سیاسی روز، حمله به «گذشته، حال و آینده ما به عنوان یک ملت» است. این مرکز، حافظه تاریخی پزشکی است که در راهروهای آن، الفبای مبارزه با اپیدمی را آموختند و حالا دیدن دیوارهای فروریخته آن، برای جامعه علمی، حکم فروپاشیدن یکی از امن‌ترین پناهگاه‌های عقلانیت را دارد.

### آزمونی برای وجدان بیدار جامعه جهانی

فاجعه پاستور اکنون به یک «آزمون اعتبار» برای سازمان‌های بین‌المللی بدل شده است. اگر حمله به مرکزی که عضو شبکه بین‌المللی پاستور بوده و واکنس‌های حیاتی کودکان را تأمین می‌کرد، نتواند حساسیت جهانی برانگیزد، آن‌گاه باید برای فاتحه «حقوق بشردوستانه» آماده شد. سازمان جهانی بهداشت بارها تأکید کرده که حفاظت از مراقبت‌های سلامت در درگیری‌های مسلحانه، یک گزینه نیست، بلکه یک الزام است. وقتی خدمات سلامت در یک نقطه از جهان مختل می‌شود، کل جامعه بشری هزینه آن را با کاهش توان واکنش سریع به بحران‌های بهداشتی پرداخت خواهد کرد. انستیتو پاستور ایران، در این معنا، فقط یک قربانی جنگ نیست؛ بلکه نماد ورود ایران به عصر تشخیص آزمایشگاهی و واکنسیناسیون سازمان‌یافته است که امروز زیر آوار بی‌خردی نظامی گرفتار شده است.

### صیانت از جریانی که نمی‌میرد

ماجرا فقط این نیست که یک ساختمان فروریخته است؛ مسئله این است که در زیر این آوار، بخشی از امنیت سلامت، حافظه علمی و اعتماد یک جامعه دفن شده است. آنچه در روز سیزدهم فروردین رخ داد، تلاقی سه بحران جنگ، سلامت و محیط زیست بود. انستیتو پاستور شاید امروز زخم‌خورده باشد و جای زخم‌های انفجار بر تن دیوارهای صدساله‌اش بماند، اما جریانی که فرمانفرما آغاز کرد و نسل‌های پژوهشگر آن را ادامه دادند، با موشک و بمب متوقف نخواهد شد.

### خشم جامه سفیدان

واکنش‌های عاطفی و صفتی به این واقعه، نشان از جراحی عمیق بر پیکره جامعه علمی ایران دارد. پیام محمد رئیس‌زاده، رئیس کل سازمان نظام پزشکی، که این اقدام را «اوج سبوعیت



سال نهم شماره ۲۱۹۷  
شنبه ۱۵ فروردین ۱۴۰۵

## توسعه

### بررسی رویدادهای اقتصادی

**سازندگی**؛ روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: امیر اقتناعی • سردبیر: اکبر منتجبی زیرنظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطر یانفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیر اقتناعی

مدیرهنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آری‌ن‌فر • حروف‌چین: سحر خسروجردی • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۴۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۲۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

#### تحلیل

### امید به ثبات

**جامعه چگونه به بازسازی اقتصاد کمک می‌کند؟**

#### ابراهیم نوروزی

تحلیلگر اقتصاد

جامعه زیربنای اقتصاد است و بازسازی اقتصاد بدون ترمیم دردها و آلام جامعه امکان‌پذیر نیست. جامعه‌ای که یک دوره طولانی از تش، نااطمینانی و فشار اقتصادی را پشت سر گذاشته باشد، برای بازگشت به وضعیت عادی تنها به ترمیم زیرساخت‌های فیزیکی نیاز ندارد، بلکه نیازمند بازسازی اعتماد، امید و ثبات نیز هست. هنگامی که یک کشور در مدت کوتاهی با چند بحران هم‌زمان مانند درگیری نظامی، تش‌های اجتماعی، تورم بالا و جریان مداوم خیرهای منفی مواجه می‌شود، اثر آن تنها در شاخص‌های اقتصادی دیده نمی‌شود؛ بلکه در روحیه عمومی، رفتارهای اجتماعی، تصمیم‌های اقتصادی خانوارها و حتی نحوه نگاه مردم به آینده نیز منعکس می‌شود. به همین دلیل ریکاواری جامعه فرآیندی چندبعدی است که هم اقتصاد، هم سیاست‌گذاری عمومی و هم فضای اجتماعی را دربر می‌گیرد.

نخستین گام در این مسیر ایجاد احساس ثبات است. در دوره‌های بحران، مردم به‌طور طبیعی در حالت انتظار و احتیاط قرار می‌گیرند. خانواده‌ها هزینه‌های خود را کاهش می‌دهند، سرمایه‌گذاری‌های کوچک و بزرگ به تعویق می‌افتد و بسیاری از تصمیم‌های مهم اقتصادی یا اجتماعی عقب می‌افتد. برای خروج از این وضعیت باید نشانه‌های قابل اعتماد از بازگشت ثبات به جامعه دیده شود. ثبات تنها به معنای نبود درگیری یا تش نیست، بلکه شامل پیش‌بینی‌پذیر شدن شرایط نیز می‌شود. وقتی مردم احساس کنند که روندها قابل پیش‌بینی است و سیاست‌ها ناگهان تغییر نمی‌کند، به‌تدریج تصمیم‌های اقتصادی و اجتماعی عادی خود را از سر می‌گیرند. عامل مهم دیگر کاهش فشار اقتصادی بر زندگی روزمره مردم است. تورم بالا و کاهش قدرت خرید یکی از مهم‌ترین منابع فرسایش اجتماعی است، زیرا به شکل مستقیم بر زندگی روزمره خانوارها اثر می‌گذارد. اگر مردم احساس کنند که هزینه زندگی دائم در حال افزایش است و درآمدها با آن همگام نیست، نااطمینانی و اضطراب اجتماعی تشدید می‌شود. به همین دلیل در دوره‌های پس از بحران، سیاست‌های اقتصادی که به تثبیت قیمت‌ها، کنترل تورم و افزایش قدرت خرید کمک کنند، نقش مهمی در بهبود روحیه اجتماعی دارند. حتی اقدام‌های کوچک اما ملموس که فشار اقتصادی را کاهش دهند می‌توانند به شکل قابل‌توجهی احساس بهبود را در جامعه تقویت کنند. در کنار اقتصاد، فضای عمومی جامعه نیز نیازمند بازسازی است. در دوره‌هایی که خیرهای منفی به‌طور مداوم منتشر می‌شود، ذهن جمعی جامعه در نوعی خستگی و فرسودگی قرار می‌گیرد. روان‌شناسان اجتماعی این وضعیت را نوعی خستگی جمعی ناشی از بحران می‌دانند. در چنین شرایطی اهمیت دارد که روایت‌های امیدوارکننده، خبرهای مثبت و نشانه‌های پیشرفت نیز در فضای عمومی دیده شود. این به معنای نادیده گرفتن مشکلات نیست، بلکه به معنای ایجاد تعادل در تصویر آینده است. جامعه‌ای که تنها تصویر بحران را ببیند، انگیزه خود را برای تلاش و مشارکت از دست می‌دهد، اما جامعه‌ای که در کنار مشکلات نشانه‌هایی از بهبود را نیز ببیند، آمادگی بیشتری برای بازسازی خواهد داشت. سرمایه اجتماعی نیز یکی از مهم‌ترین عوامل احیای جامعه است. سرمایه اجتماعی به معنای میزان اعتماد، همکاری و همبستگی میان مردم و میان مردم و نهادهای عمومی است. در دوره‌های بحران این سرمایه ممکن است آسیب ببیند، اما بازسازی آن امکان‌پذیر است. شفافیت در تصمیم‌گیری‌ها، گفت‌وگوی صادقانه با جامعه و مشارکت دادن مردم در فرآیندهای اجتماعی می‌تواند به‌تدریج اعتماد عمومی را تقویت کند. وقتی مردم احساس کنند که در سرنوشت جامعه نقش دارند و صدای آنها شنیده می‌شود، احساس تعلق و مسئولیت جمعی افزایش پیدا می‌کند. از سوی دیگر فعالیت اقتصادی و اجتماعی عادی نیز خود یکی از ابزارهای مهم احیای جامعه است. بازگشت پروژه‌های عمرانی، رونق کسب‌وکارها، افزایش فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی و حضور مردم در فضاهای عمومی می‌تواند به‌تدریج حس زندگی عادی را بازگرداند. جامعه‌ای که در آن فعالیت و حرکت جریان داشته باشد، سریع‌تر از حالت رکود روانی خارج می‌شود. تجربه بسیاری از کشورها نشان می‌دهد که بازگشت به زندگی روزمره، حتی در قالب فعالیت‌های ساده اجتماعی و فرهنگی، نقش مهمی در ترمیم روحیه عمومی دارد. نقش نسل جوان در این فرآیند نیز بسیار مهم است. جوانان معمولاً نیروی محرک تغییر و نوآوری در جامعه هستند و اگر فضای لازم برای فعالیت و خلاقیت آنها فراهم شود، می‌توانند به موتور بازسازی اجتماعی تبدیل شوند. حمایت از کارآفرینی، گسترش فرصت‌های آموزشی و ایجاد امکان مشارکت جوانان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی می‌تواند انرژی تازه‌ای به جامعه وارد کند.

#### سعید خوش‌بین

خبرنگار سازندگی

در جنگ ویرانگری که درگیرش شده‌ایم، جنایت‌های زیادی به چشم دیده‌ایم اما بدون شک، بدترین جنایت اقتصادی این جنگ، حمله به زیرساخت‌های اقتصادی ایران بوده است. جنگ وارد مرحله کاملاً خطرناکی شده و فکر اینکه ممکن است در روزهای آینده بخش بزرگی از زیربناها و صنایع اصلی کشور نابود شوند، دل هر علاقه‌مند به کشور را به درد می‌آورد. به نظر می‌رسد تصور دو کشور متجاوز این است که فرصتی تاریخی برای ضربه زدن به ایران پیدا کرده‌اند و به راحتی از آن صرف نظر نخواهند کرد بنابراین تخریب زیرساخت‌های حیاتی کشور باید به دغدغه اصلی تصمیم‌گیران تبدیل شود. زیرساخت‌ها امکانات و سیستم‌های حیاتی کشورها هستند که بدون آنها چرخ اقتصاد نمی‌چرخد. زیرساخت‌ها عمدتاً کالاهای عمومی هستند که دولت‌ها وظیفه دارند برای فقرزدایی، توسعه اقتصادی و شکوفایی اقتصاد آنها را فراهم کنند.

اکنون که بیش از یک ماه از شروع جنگ آمریکا و اسرائیل با ایران گذشته، جامعه ایران زیرساخت‌های زیادی را از دست داده است. همچنین مراکز صنعتی زیادی مورد اصابت قرار گرفته است که از مهمترین ارکان صنعت و تولید ایران به شمار می‌روند و نقش پررنگی در زنجیره تولید کشور ایفا می‌کنند. با جستجو در اخبار مربوط به هدف قرار گرفتن مراکز صنعتی ایران، نام‌های آشنایی از زیرساخت‌های نظامی و مراکز نفتی گرفته تا فلزی و آموزشی به چشم می‌خورد. در روزهای آغازین جنگ ابتدا پارس جنوبی، قلب پالایش نفت ایران هدف قرار گرفت و در روزهای اخیر دو قطب فولادی ایران، یعنی فولاد مبارکه اصفهان و فولاد خوزستان مورد اصابت قرار گرفتند. زیرساخت‌های نظامی ایران هم به شدت آسیب دیده‌اند و دشمن خیبت، حتی پل‌ها و جاده‌ها را هم بی‌نصب نگذاشته است. حمله به زیرساخت‌های صنعتی محدود به مراکز بزرگ نشده و با تخریب پست برق در میدان شهدای تهران، پای آن به محله‌های مسکونی تهران نیز باز شده است. انهدام انبارهای نفت تهران و غرق‌شدن پایتخت در دودهای سمی سیاه برای چندین روز، شاهد دیگری بر این مدعاست که آسیب جنگ زیرساختی چیزی فراتر از توقف چرخ کارخانه‌هاست. آسیب‌هایی که به این مراکز وارد شده، تنها به تخریب بنای

### گزارش

## فهرست سختی‌ها

### اقتصاد ایران در سال ۱۴۰۵ به چه مشکلاتی مواجه است؟

#### نصیر یزدانی

تحلیلگر اقتصاد

سال ۱۴۰۴ برای اقتصاد ایران سالی بسیار دشوار و تعیین‌کننده بود. سالی که هم‌زمانی بحران‌های امنیتی، سیاسی و اجتماعی با مشکلات ساختاری اقتصاد، وضعیت معیشتی خانوارها و شرایط فعالیت بنگاه‌ها را به‌شدت تحت تأثیر قرار داد. وقوع دو جنگ مخرب و درگیری‌های مستقیم و غیرمستقیم ایران در این تحولات، همراه با اعتراض‌های اجتماعی در ماه دی، فضایی از نااطمینانی عمیق در جامعه و اقتصاد ایجاد کرد. در چنین شرایطی فشارهای بین‌المللی نیز به اوج رسید و ترکیب تحریم‌ها، محدودیت‌های مالی و اختلال در روابط تجاری، دسترسی اقتصاد ایران به منابع ارزی و بازارهای جهانی را محدودتر از قبل کرد. پیامد طبیعی این وضعیت افزایش تورم، نوسان شدید نرخ ارز، کاهش سرمایه‌گذاری و تشدید فشار بر بودجه دولت بود. به همین دلیل بسیاری از تحلیلگران سال ۱۴۰۴ را یکی از سخت‌ترین سال‌های اقتصادی ایران در

فیزیکی محدود نمی‌شود بلکه به صورت زنجیره‌وار کل اقتصاد را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

#### حمله به قلب اقتصاد ایران

یکی از حساس‌ترین و استراتژیک‌ترین زیرساخت‌های کشور که از حمله متجاوزان مصون نمانده، میدان گازی پارس جنوبی در عسلویه است. این حمله شامل اصابت به بخش‌هایی از واحدهای گازی و پتروشیمی، از جمله مخازن و زیرساخت‌های فرآوری گاز بود و موجب اختلال جدی در تولید گاز طبیعی شد. پارس جنوبی بزرگ‌ترین میدان گازی مشترک جهان است که بخش ایرانی آن نقش حیاتی در تأمین انرژی داخلی، تولید برق، سوخت زمستانی و خوراک صنایع پتروشیمی دارد. هرگونه آسیب به این میدان می‌تواند زنجیره تأمین انرژی میلیون‌ها انسان را با اختلال مواجه کند و اثر دومینویی بر صنایع وابسته، به ویژه فولاد، پتروشیمی و تولید برق داشته باشد.

اهمیت استراتژیک پارس جنوبی فراتر از مرزهای ایران است؛ این میدان بخشی از بازار انرژی خلیج فارس و جهان را تأمین می‌کند و هرگونه اختلال در تولید آن، نگرانی‌ها درباره ثبات عرضه گاز و قیمت‌های جهانی انرژی را تشدید کرده است. حمله به این زیرساخت حیاتی نشان می‌دهد که این جنگ وارد مرحله‌ای شده که نه تنها اهداف نظامی و سیاسی، بلکه منابع انرژی به‌عنوان گلوگاه تولید و اقتصاد مورد هدف قرار می‌گیرند. با این‌که بعد از این حمله، اختلالی در تأمین گاز ایران رخ نداد اما نمی‌توان از این واقعیت چشم‌پوشی کرد که این تخریب‌ها روی عملکرد این مجموعه اثر سوء خواهد گذاشت.

از سوی دیگر شرکت‌های فولاد سازی هم با آسیب جدی مواجه شده و فعالیت خود را متوقف کرده‌اند.

بر اساس اطلاعیه‌های رسمی، در جریان این حملات بخش‌هایی از زیرساخت‌های حیاتی دو شرکت فولاد خوزستان و فولاد مبارکه اصفهان آسیب دیده است. در فولاد مبارکه، نیروگاه سیکل ترکیبی ۹۱۴ مگاواتی شهید کاظمی، نیروگاه قدیم ۲۵۰ مگاواتی، تعدادی از مدول‌های احیای مستقیم و بخش‌هایی از کارگاه فولادسازی دچار خسارت شدند. فولاد خوزستان نیز از آسیب به واحدهای احیا ۲، مگامدول زمزم ۳ و بخش فولادسازی خبر داد؛ خساراتی که در نهایت به توقف خطوط تولید این شرکت انجامید. هم‌زمان، گزارش‌هایی

از اختلال در شبکه توزیع برق مناطق اطراف به‌دلیل آسیب به پست‌های برق منتشر شد که نشان‌دهنده شدت اثرگذاری اختلال در این نیروگاه در زندگی روزمره مردم و زنجیره تولید در کشور است.

همچنین، فولاد خوزستان با تولید بیش از ۱۰۹ میلیون تن و تمرکز بالا بر صادرات، یکی از مهم‌ترین منابع ارزآوری صنعت فولاد محسوب می‌شود. سهم صادراتی این شرکت بین ۵۵ تا ۶۵ درصد برآورد می‌شود و بخش عمده محصولات آن به بازارهای آسیا و خاورمیانه ارسال می‌شود.

خبر توقف فعالیت فولاد خوزستان در شرایط جنگی، چیزی فراتر از یک اختلال ساده صنعتی است. این رخداد، به معنای توقف جریان زندگی اقتصادی بسیاری از خانواده‌ها و تحت فشار قرار گرفتن ستون‌های مالی کشور است. تصور اینکه خسارت تنها محدود به کارخانه و تجهیزات است، برداشت سطحی و نادرستی بوده و واقعیت بسیار گسترده‌تر و شامل شبکه‌های مالی، اجتماعی و صنعتی می‌شود.

یکی از اثرات مستقیم، کاهش سوددهی برای سهام عدالت و صندوق‌های بازنشستگی است. میلیون‌ها نفر بر این منابع حساب کرده بودند و توقف تولید، فشار اقتصادی ملموسی بر خانواده‌های کم‌درآمد و بازنشستگان وارد می‌کند. هم‌زمان، این کارخانه یکی از پیشران‌های صادرات غیرنفتی و منبع مهم ارز برای کشور است و اختلال در تولید آن، باعث افزایش فشار بر نرخ ارز به دلیل کاهش صادرات و در نتیجه افزایش هزینه زندگی روزمره مردم می‌شود.

در سطح کلان، توقف فعالیت این صنعت به معنای کسری بودجه دولت است. مالیات و درآمد حاصل از این کارخانه نقش مهمی در بودجه عمومی دارد و حذف آن، یا به افزایش تورم منجر می‌شود یا فشار مالی بیشتری بر سایر بخش‌های اقتصادی وارد می‌کند. همچنین صنایع پایین‌دستی وابسته به فولاد، از جمله لوله‌سازی، مسکن و خودرو، با کمبود مواد اولیه مواجه می‌شوند که پیامد آن بیکاری و افزایش قیمت‌هاست.

بنابراین، حمله به صنایع زیرساختی کشور، خصوصاً صنایعی که نقش مهمی در زنجیره تولید دارند، بیشترین آسیب را به زندگی روزمره مردم و تهیه اقلام مورد نیاز آن‌ها می‌زند. حجم خسارت وارده به این صنایع تنها تا حدی در مقطع زمانی فعلی قابل اندازه‌گیریست و خسارت واقعی زمانی مشخص خواهد شد که در زنجیره و ظرفیت تولید خود را نمایان کند.

چند دهه اخیر می‌دانند. اکنون با ورود به سال ۱۴۰۵، پرسش اصلی این است که مهم‌ترین چالش اقتصاد ایران در این سال چه خواهد بود و چه مسیری پیش‌روی سیاست‌گذاران قرار دارد.

بحران‌های سال ۱۴۰۴ مجموعه‌ای از چالش‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت را به‌طور هم‌زمان نمایان کرد و اکنون سیاست‌گذاران با انتخاب‌های دشواری مواجه هستند. مهم‌ترین چالش سال ۱۴۰۵ را می‌توان در مدیریت هم‌زمان ثبات اقتصاد کلان، اصلاح ساختارهای مالی و بازسازی اعتماد اقتصادی دانست. اگر این سه حوزه به‌طور هماهنگ مورد توجه قرار گیرند، امکان عبور تدریجی از شرایط بحرانی وجود خواهد داشت. در غیر این صورت، خطر تداوم بی‌ثباتی اقتصادی، کاهش سرمایه‌گذاری و تشدید فشارهای معیشتی بر جامعه همچنان پابرجا خواهد بود. به همین دلیل سال ۱۴۰۵ می‌تواند سالی تعیین‌کننده برای آینده اقتصاد ایران باشد؛ سالی که در آن نوع تصمیم‌ها و جهت‌گیری‌های اقتصادی می‌تواند مسیر اقتصاد کشور را برای سال‌های آینده شکل دهد.

<sup>[1]</sup> سال ۱۴۰۴ برای اقتصاد ایران سالی بسیار دشوار و تعیین‌کننده بود

<sup>[2]</sup> سال ۱۴۰۴ برای اقتصاد ایران سالی بسیار دشوار و تعیین‌کننده بود